



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۲۹

جليل غنی هروی

آشفته بازار رسانه های همگانی

تبلیغات و نشرات و در مجموع مطبوعات و نشرات، با ابزار اولیه اعلام خبر ها و آگاهی دادن به مردم در زندگی انسانهای قبل از اختراع ماشین چاپ و یا رادیو و تلویزیون، و نشرات تصویری و صوتی و چاپی و حالا الکترونیکی از برکت انکشاف تکنالوژی، از همان آغاز زندگی ابتدائی بشر نقش برانزنده و با اهمیتی در سمت دهی و روشن ساختن اذهان مردم داشته است. انتقال پیام و اطلاع دهی از زندگی روز مره جوامع نا منکشف توسط نواختن نقاره، دهل، چهارچی ها، ممثلان دوره گرد، سادوها، نمایشات گودی گک ها، صحنه های تمثیل، شلیک توپ و ابزار اولیه رسانیدن پیام ها بوده اند که به نام وسایط عنعنوی یاد می شوند. مطالعه سیر انکشافی نشرات و تبلیغات و مطبوعات به مسلک و حرفه به نام ژورنالیزم، که امروز ابعاد گسترده را در بر میگیرد، مبدل شد و در تبدیل نمودن جهان امروز به یک دهکده مهمترین نقش را ایفا میکند. امروز اگر در یک گوشه دور افتاده جهان رویداد و یا انکشافی رخ میدهد، حالا چه خورد و چه بزرگ و چه سیاسی و چه اقتصادی، اجتماعی و حتی جنائی، گوشه دیگر جهان در همان لحظات از یمن مطبوعات و نشرات از آن آگاهی می یابد. مطبوعات و همین رسانه های همگانی در جوامع آزاد و دموکراتیک است که افکار عامه، به خصوص در جوامع مردم سالار و دموکراتیک را سمت و جهش می دهد، تاریکی ها و روشنائی ها، دروغ ها و راستی ها، صداقت ها و خیانت ها، نا رسائی ها و پیشرفت ها، و خلاصه تمام زوایا و ابعاد زندگی انسانهای متعلق به هر جامعه و کشور را باز تاب می دهد و مسیر تفکر آزاد را در جوامع روشن می سازد.

روی همین برانزندی و اهمیت نقش رسانه ها بوده است که آزادی بیان و عقیده به حیث یکی از اصول اساسی و انفکاک نا پذیر انسان شناخته شده است.

آزادی بیان و فکر (عقیده) یکی از موضوعات عمده ولی پیچیده در هر نظام، مخصوصاً نظام های دموکراتیک و مردم سالار است که جزئی از حقوق اساسی و بشری افراد دانسته می شود. همچنان آزادی بیان رکن اساسی یک نظام دموکراتیک است که هدف هر دموکراسی، تضمین آزادی های فردی به منظور تأمین عدالت اجتماعی، را متباز می سازد. هر نظام و مرام دموکراتیک را که فاقد چنین اصل و هدفی باشد نمی توان یک نظام دموکراتیک خواند چون مطبوعات آزاد یکی از ارکان عمده یک نظام مردم سالار است.

در جوامع پیشرفته این حق به حیث حق فطری و اساسی اتباع در قوانین اساسی و قوانین متممه این کشورها تضمین گردیده است. سوابق شناخت حق آزادی بیان و عقیده و تضمین این حقوق به قرن هفده و هجده میلادی بر می گردد. مفهوم آزادی بیان برای اولین بار در لایحه حقوق مدنی انگلستان در سال ۱۸۶۰ در سند "آزادی بیان در پارلمان" ۱ و سند "حقوق مدنی اتباع و باشندگان" در جریان انقلاب فرانسه در سال ۱۸۶۰ مسجل شد و بطور اخص آزادی بیان را حق انفکاک نا پذیر انسان تایید کرد. این اعلامیه، آزادی بیان و عقیده را در ماده یازدهم چنین قید می کند:

" مفاهمه و مکالمه آزاد مفکوره ها و نظریات یکی از با ارزشترین حقوق انسان است. هر تبعه می تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید ولی باید مسؤول سوء استفاده از این آزادی طوریکه در قانون تعریف میگردد، باشد"

آزادی بیان که با آزادی عقیده مترادف تذکر داده می شود در ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید، و همچنان در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۲ نیز تضمین گردیده چنین حکم می کند:

" هرکس حق ابراز آزادانه نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا برآن هرکس حق آزادی بیان را دارد این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و نشر هر نوع اطلاعات و نظریات بدون در نظر داشت مرزها، شفاهی، تحریری و یا چاپی، بشکل آرت (هنر) و یا از طریق هر رسانه دیگری می باشد. تعمیل این حقوق مستلزم وجایب و مسؤولیت های خاص است و بنا برآن در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت ها

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

برای احترام به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه عامه خواهد بود^۱

حق آزادی بیان که آزادی عقیده نیز مترادف با آن تذکر داده می شود، در بسیاری باور های عقیدتی نیز به آن اشاره شده است. در قرآن عظیم الشان صد ها سال قبل از آن که اروپا به فکر آزادی بیان بیفتد و آنرا یکی از حقوق انفکاک نا پذیر انسان تشخیص کند، به انسان حق انتخاب عقیده داده شده بود. بیش از یک هزار و چهار صد سال قبل پروردگار عالمیان این حق را به بندگان خویش عطا نمود و پیامبر بزرگ اسلام اجازه یافت علنی و به تبلیغ دین مبین اسلام به پردازد و آزادانه عبادت نماید. آیه ۲۵۶ سوره بقره حکم می کند «*لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ*» یعنی «در دین اجباری نیست راه درست و راه نادرست هر دو روشن شد». درین آیه مبارکه به وضاحت دیده می شود که پروردگار عالمیان راه درست و نادرست را به بندگان نشان داده است و این که بنده چه راهی را انتخاب میکند.

در رابطه با آزادی بیان که در عین زمان حدود و ثغوری دارد و این حدود و ممانعت ها نظر به جوامع مختلف و فرهنگ های متفاوت تغییر پذیر نیز هست، می توان به این نکات تمرکز کرد:

- (تشهیر) بد گوئی، تهمت و افتراء، تهمت زدن، به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن؛
- بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص؛
- بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب
- دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛
- "جنگ لفظی" که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند؛
- بیانات فتنه جویانه، خائنه و تشویق دهشت افگنی؛
- کفر گوئی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر عقیده مذهبی یک شخص؛
- وقاحت و بی حرمتی به مقدسات و انتشار صور قبیحه؛
- بیانات نژاد پرستانه،
- نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در انترنیت.

البته این محدودیت ها منحصر به موضوعات ذکر شده نبوده و هم رعایت آنها از طرف تمام کشور ها التزامی نیست.

ولی همانطوری که گفته شد اگر بعضی از محدودیت ها با فرهنگ و عنعنات و یا اعتقادات جامعه در تضاد قرار می گیرد، قابل رعایت نیست ولی اصول و موادی که با فرهنگ و معتقدات حاکم بر جامعه در تضاد نباشد باید رعایت گردد.

یاد آوری از پیشگامان مطبوعات و نشرات در افغانستان که سنگ بنای بزرگ نشرات امروزی افغانستان را در تاریخ این کشور گذاشته اند، برای من به حیث شاگرد این مسلک مقدس کوچکترین دینی است که می توانم ادا نمایم. کار و پیکار بزرگانی چون علامه سید جمال الدین افغانی، علامه محمود طرزی، علامه صلاح الدین سلجوقی، علامه عبد الحی حبیبی، محی الدین انیس، احمد راتب، سرور جویا، عبدالرشید لطیفی، «شمس النهار»، «سراج الاخبار»، «انیس»، «نسیم سحر»، «ندای خلق»، «انگار» و «وطن» و غیره ثبت تاریخ پر افتخار افغانستان و ژورنالیزم این کشور است.

امروزه در افغانستان بیش از یکصد دستگاه نشراتی رادیو و شصت و هشت دستگاه تلویزیون وجود دارد که از آن جمله نشرات بیست و هشت دستگاه تلویزیون بین المللی است که در اکثر نقاط جهان نیز دیده شده می تواند. مزید بر آن اکثریت چنین نشرات را در یو تیوپ نیز می توان دید. نا گفته نگذیریم که آزادی مطبوعات یکی از بزرگترین دست آورد های نظام جدید سیاسی افغانستان بعد از سقوط دادن نظام متحجر طالبانی است.

ویب سایت های منسوب به افغانها چه در داخل و چه خارج از افغانستان به بیش از دو صد و پنجاه ویب سایت می رسد. حساب های فیسبوک و تویت بی شمار است و درین روز ها بیشترین مورد استفاده را همین شبکه های اجتماعی دارند که بعضاً فارغ از هرگونه بند و بست و قید قیود هر چه دل شان خواست می نویسند و نشر میکنند و بینندگان و خوانندگان زیادی هم دارند.

۱- دیوید سمیت، تاریخ آزادی بیان و روزنامه گاردین برتانیه ۳۴۴۸

۲- مصوبه (۲۲۰۰-ای) مجمع عمومی ملل متحد در دسمبر ۱۹۶۶ و انفاذ آن در ۲۳ مارچ ۱۹۷۶

۳- آرتور دلیلو دایموند، کتابخانه حقوق فاکولته حقوق یونیورسیتی کولمبیا مارچ ۳۴۴۸ -

۴ - ملل متحد سپتمبر ۱۹۴۸

اما با نظر مختصری به نشراتی که چه از افغانستان نشر می‌گردد و چه توسط افغانها در خارج این کشور، چنین معلوم میشود که عنصر عمدهٔ رسالت و موازین قبول شده ای ژورنالیسم و اخلاق نویسندگی، آن چنان که باید و شایستهٔ یک کار ژورنالیستیک است، رعایت نمی‌شود. این شیوه‌ها دلایل متعدد دارد که مختصر به تذکر برخی از این دلایل اشاره می‌شود.

■ عدم آگاهی و یا اعتنا و یا هم برداشت از اساسات و موازین دموکراسی به خصوص دموکراسی نو پا در افغانستان.

■ عدم رعایت قانون رسانه‌های همگانی که بیشتر در رابطه با نشرات در داخل افغانستان ارتباط می‌گیرد.

■ پیروی بعضی از نشرات بیرون مرزی، وبسایت‌ها و نشرات تصویری، از موقف‌گیری‌های جریان‌های مختلف سیاسی و حکومت در داخل افغانستان.

■ تعلق و وابستگی تعدادی از این وبسایت‌ها و نشرات رادیویی و تصویری به نهادها و جریان‌های سیاسی داخل و خارج افغانستان

■ تاثیر نقش زیانبار باورهای قومی، نژادی، مذهبی، سمتی، و فرهنگی حاکم بر جامعه در داخل افغانستان. بر داشت نا درست از اصل آزادی بیان.

■ فرهنگ خشونت و معافیت حاکم بر جامعه و تاثیر آن به جوامع افغانی در خارج کشور.

■ عدم رعایت و یا آشنائی با فرهنگ استفاده از شبکه‌های اجتماعی و استعمال کلمات و عبارات مستهجن و ناسزاها بازاری و اهانت به اشخاص و تجاوز بر حریم شخصی افراد و گروه‌های مختلف.

یکی از رسالت‌های یک مطبوعات سالم تدریس و یا تبلیغ مهارتهای سالم جهت سمت دهی جامعه به مسیر سالم است. با تاسف وقتی به نشرات تعداد زیادی از آنچه در داخل و یا خارج افغانستان عرضه می‌گردد، نظری انداخته می‌شود، چنین نقشی را، و یا ایفای چنین رسالتی را، نمی‌توان در آنها مشاهده کرد. بجای اینکه رسانه‌ها به خصوص درین مرحله حساس تاریخی افغانستان پس از چهل سال جنگ باید ایفا نمایند و اقتدار و گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی، مذهبی، سمتی و عشیره‌ای و تباری جامعهٔ افغانی را به همدیگر پذیرای و یکدست شدن در برابر دشمن مشترک جامعهٔ افغانی تشویق کنند، هنوز هم در تشدید اختلافات جزئی و سلیقه‌ای که یکی از ارکان قابل درک هر جامعه، به خصوص جامعه‌ای کثیر النژادی مثل افغانستان، هست نقش بازی میکنند. هدف دشمنان افغانستان و این جنگ خانمان سوز که به تحریک بیگانگان و سودجویان منطوقی و همسایگان دور و نزدیک افغانستان برای بدست آوردن منافع نا مشروع شان تحمیل گردیده، نیز دوام و تشدید این اختلافات است. تعدادی از نشرات و مقالات به جای اینکه ملت از هم پاشیده را به همدیگر پذیرای دعوت کنند و اهمیت اتحاد را در مقابله با دشمن مشترک، جنگ ویرانگر، دعوت کنند در پی دامن زدن به تفاوت‌های هستند که اصلاً مورد بحث نیست. گاهی شخصی و گروهی را به یک کشور نسبت می‌دهند و گاهی گروهی و یا شخصی را محکوم به خدمت‌گزاری به بیگانگان میکنند. چنین روشها و نشرات نه اینکه مفید واقع نمی‌شود و یا می‌تواند به زعم نویسندگان گروه و یا شخصی را افشا نماید، بلکه از یک جانب مغایر اصول و موازینی است که آزادی بیان در یک جامعهٔ دموکراتیک آنرا نا روا میدانند، و از جانب دیگر نویسنده و یا رسانهٔ گروهی، آگاهانه و یا نا آگاهانه، در مسیری قرار می‌گیرد که مرام دشمنان افغانستان است و مغایر هدف بزرگتر اتحاد درین برههٔ خاص زمان است. شاید یکی از اهداف چنین نوشته‌ها یافتن بینندهٔ بیشتر و یا خوانندهٔ بیشتر باشد که می‌توان چنین نشرات را، حالا از هر مرجع و شبکهٔ اجتماعی و رسانه‌ای که باشد، به اصطلاح ژورنالیسم معاصر یک نشریهٔ تابلاید (tabloid) نامید که هدف آن نشر سرخط اخبار و مطالب احساساتی و شور انگیز است.

نویسندگان و دست‌اندرکاران نشرات رسالتی بسیار بزرگتر از در افتادن به موضوعاتی هستند که در جامعهٔ متلاشی شده ای امروزی افغانستان شاید به درجات بسیار پائینتر نسبت به هدف عمده و مهم حیاتی صلح و ختم جنگ قرار داشته باشد. با اتحاد تمام آنانی که در افغانستان زندگی میکنند و هر دقیقه و هر ساعت و هر روز و هر هفته و ماه و سال قربانی جنگ هستند و این رنج را از چهل سال به اینطرف تا مغز استخوان احساس میکنند آرزوی جز همزیستی و همدیگر پذیرای و ختم جنگ ندارند. جنگی که از بیرون پیش برده می‌شود و کسانی آنرا پیش می‌برند که از بیرون تغذیه می‌شوند. همه‌ای ما شاهد آن هستیم که طالب در کجا پرورش یافته، در کجا تربیه و تجهیز شده، از کجا دستور می‌گیرد، چه کشوری به او اجازهٔ مذاکره و یا قطع مذاکره می‌دهد و کدام کشور تهدید میکند که اگر هند در مقابل حملهٔ انتحاری بر عساکر هند در کشمیر عکس‌العمل نشان بدهد مذاکرات صلح افغانستان متاثر می‌شود.

رسالت یک نویسنده، خبرنگار، تحلیلگر، مفسر، تبصره‌نویس، سرمقاله‌نویس و رساله‌نویس و کتاب‌نویس افغان گفتن حقایق و افشای اخلاص گران، دشمنان افغانستان، توطئه‌گران، نفاق‌افکنان، جنگجویان، قاتلین مردم افغانستان، خائنین به دین و دولت، مزدوران و... کسانی است که پنهان و آشکار این کشور را به این روز انداخته‌اند نه اینکه به دین و مذهب، نژاد و فرهنگ و زبان، قومیت، منطقه، و سمت تمرکز نمود که موضوعات فرعی در حالت کنونی است. بیانیید یک دیگر را آنچه که هستیم به پذیریم. ملت افغانستان از همان آغاز تشکیل

دولت ابدالی در ۱۵ جولای ۱۷۴۷ میلادی متشکل از اقوام و قابل و عشیره ها و نژاد ها و مذاهبی است تا کنون ارکان و اجزای این ملت را تشکیل میدهند. این اقوام و ملیت ها و تبار ها برادروار با هم چندین قرن زندگی کردند دلیل عمده آن پذیرفتن یکدیگر به اشکالی که وجود داشتند بوده است نه تحکم مذهبی بر آن ها وارد شده بود و نه قومی و سمتی و زبانی و فرهنگی. حالا هم اگر به رسم نیاکان خویش، و با آموختن از تاریخ این سر زمین، بیاموزیم همین روش همدیگر پذیری را با همین خصوصیتی که داریم پیروی کنیم بسیار بهتر از این خواهد بود که ذوق و سلیقه و تفکر و باور های فرهنگی خود را خواسته باشیم بر دیگران به قولانیم. نتیجه اختلافاتی که از بیرون دامن زده شده کاملاً آشکار است. تجربه تلخی بود و نتیجه داشت و دارد که ضرورتی به توضیح بیشتر نخواهد داشت، حل تفاوت های سلیقه ای و یا هم اختلافات فرعی در یک فضای صلح و دوستی و همدیگر پذیری آسانتر است تا در میدان نبرد با همه انواع نابکار و ویرانگر آن. افغانستان در وضعی قرار دارد که حتی موجودیت، تمامیت ارضی و بقای یک افغانستان واحد و متحد با تهدید مواجه است. رسالت قلم بدستان و اهل مطبوعات و نشرات است که فرصتی به دامن زدن به چنین اختلافات ندهند چه این نشرات از داخل افغانستان است و چه از خارج.

پایان